

حوادث ۱۹ خرداد

تلنگر

دستگیری «اصغر هندی»

برای سی و یکمین بار

سارق حرفه‌ای معروف به اصغر هندی، چند ماه بعد از آزادی از زندان به‌دلیل سرقت بیش‌از ۳۰ دستگاه تلفن همراه، برای سی‌ویکمین بار دستگیر شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، چندی پیش درپی وقوع سرقت‌های مشابه متعدد تلفن همراه در محدوده‌اشد تا این‌که موفق شهید مصطفی خمینی تیمی ویژه از ماموران کلانتری رسیدگی را در دستورکار خود قرار دادند و در جریان تحقیقات خود متوجه شدند در تمامی سرقت‌ها مردی همراه زنی جوان به مغازه‌های مختلف رفته و با برداشتن گوشی تلفن همراه مغازه‌دار فرار کرده است. تحقیقات ماموران ادامه دادند تا این‌که موفق به شناسایی تصویر سارق با استفاده از تصاویر دوربین مداربسته یکی از مغازه‌ها شدند. بررسی تصاویر این فرد نشان داد متهم به نام اصغر هندی جزو افراد سابقه‌داری است که پیش از این ۳۰ بار دستگیر و به تازگی از زندان آزاد شده است. پس از دستگیری اصغر هندی زن جوان، ماموران بیش از ۳۰۰ دستگاه تلفن همراه سرقتی از خانه‌اش کشف کردند. متهم در کلانتری اقرار کرد که بیش از هشت سال از عمر خود را در زندان سپری کرده و تاکنون ۳۰ بار از سوی ماموران کلانتری دستگیر شده است، اما باز هم پس از آزادی از زندان دست به سرقت زده است. این فرد اعتراف کرد که اعتیاد شدیدی به مصرف هروئین داشته و پول حاصل از سرقت را صرف خرید این مواد کرده است.

۱۳ کشته و مصدوم در تصادف زنجیره‌ای

تصادف زنجیره‌ای در آزادراه ساوه به تهران ۱۱ مصدوم و دو کشته بر جای گذاشت. احمد علی امینی، سرپرست اورژانس ساوه در گفت‌و گو با ایسنا بیان کرد: ساعت ۳ و ۸ دقیقه چهارشنبه شانزدهم مرداد، خبری مبنی بر تصادف زنجیره‌ای در آزادراه ساوه به تهران به مرکز پیام اورژانس ۱۱۵ شهرستان زرنديه اعلام شد. پس از تریاژ مصدومان توسط تکنیسین‌های اورژانس مشخص شد دوفنر به علت شدت جراحات قبل از رسیدن آمبولانس جان خودشان را از دست داده‌اند و ۱۱ مصدوم دیگر پس از اقدامات لازم درمانی پیش بیمارستانی به مرکز درمانی حضرت فاطمه (س) شهرستان رباط کریم منتقل شدند.

۲ مرگ زن در انفجار خانه باغ

انفجار مهیب در خانه باغی در اطراف روستای مرزیران باعث مرگ دو زن و تخریب محل حادثه شد.

به گزارش آتش‌نشانی اراک، ساعت ۲۱ و ۱۸ دقیقه سه‌شنبه وقوع انفجار و آتش‌سوزی در یک خانه باغ در کنار گذر شمالی اراک به سمت روستای مرزیران، تقاطع کوره‌های آجرپزی به آتش‌نشانی گزارش شد. با حضور آتش‌نشانان مشخص شد، محل حادثه یک خانه باغ بود که یک دستگاه پیک نیک که برای طبخ غذا از آن استفاده می‌شد به یکباره منفجر شده و باعث تخریب و ریزش سقف این خانه باغ شده بود. آتش نشان به سرعت آتش را خاموش کردند و پس از دو ساعت پیکر بی‌جان دو زن از زیر آوار خارج شد.

تنبیه شدید دانش آموز

به دست معلم

معلمی در شهرستان رستم‌آباد رودبار دانش‌آموز نوجوانش را تنبیه کرد که باعث مصدومیت شدید پای او شد.

محمد سجاد ۱۲ ساله دانش‌آموز کلاس ششم مدرسه‌ای در شهرستان رستم‌آباد رودبار است. او چندی پیش با دوستانش در حیاط مدرسه سنگ بازی می‌کردند که ناخواسته سنگ به دروازه خord که دانش‌آموز کوچک‌تری همراه یکی از معلمان آنجا بازی می‌کرد، ناگهان میان دو دانش‌آموز درگیری پیش‌آمد که معلم به سمت محمد سجاد رفت و او را با لگد مصدوم کرد. موضوع را به مدیر مدرسه سپس به خانواده‌اش اطلاع داد. روز بعد خانواده‌اش خواستند برای بررسی موضوع فیلم مدرسه بازبینی شود. در این فیلم صحنه درگیری ثبت شده و نشان می‌داد معلم به جای پایان دادن به درگیری، محمدسجاد را تنبیه کرده است. بعد هم خانواده این دانش‌آموز از معلم به دادرسا شکایت کرد.



حدود ۳۵ ساله مواجه شدند و او را به سطح جاده منتقل کردند که پس از بررسی وضعیت او از سوی امدادگران اورژانس حاضر در محل معلوم شد او فوت کرده است. در ادامه با تجهیزات ایمنی، خودرو از عمق دره خارج و بررسی‌های پلیس برای مشخص شدن علت حادثه آغاز شد.

به دره‌ای در ارتفاعات کوهسار بین چشمه اول و دوم به آتش‌نشانی گزارش شد. آتش‌نشانان دو ایستگاه در آنجا حاضر شدند و مشاهده کردند خودروی پراید به عمق ۴۰ تا ۵۰ متری دره سقوط کرده و مشخص شد چند ساعت از این حادثه گذشته است. وی افزود: آتش‌نشانان در بین مسیر با پیکر جوانی

تراژدی خانوادگی



دیگری را انتخاب می‌کند تا با فریب خانواده بتواند تصمیمش را عملی کند. به طرف جاده سیرجان حرکت می‌کند و در دوراهی کارخانه سیمان خاکستری و در ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه با برخورد عمدی با یک تریلر خودکشی می‌کند. این تراژدی درندگ سبب شد مردم شهر نی‌ریز در شرق استان فارس هنوز در بهت و حیرت باشند. تحقیقات و بررسی ابعاد مختلف پرونده کماکان ادامه دارد.

مرد جنایتکار در دادگاه بخشیده شد

۴ شب بی خوابی برای تکه‌تکه کردن پدر

به‌خاطر سرقت و اعتیاد در زندان گذرانده بود. پدرمان گرچه آدم بد اخلاقی بود، اما مستحق چنین مرگ سختی نبود. به‌روز پدرمان را کشت و جسد او را تکه تکه کرد. من و خواهر و برادرم نمی‌توانیم به‌روز را بالای دار ببینیم به همین خاطر از قصاص گذشت می‌کنیم. اما از دادگاه می‌خواهیم تا به‌روز را به حبس طولانی مدت محکوم کند؛ چراکه گمان می‌کنیم وجود او برای جامعه خطرناک است. دختر قربانی نیز در حالی که اشک می‌ریخت گفت: پدرمان گرچه در زندگی اشتباهات بزرگی مرتکب شده، اما هرگز مستحق چنین مرگی نبود. مادرمان بعد از این ماجرا به شدت آسیب روحی دیده و چشمان او در آستانه نابینایی است. آبرویمان پیش فامیل و همسایه‌ها رفته است اما نمی‌توانیم برادرمان را قصاص کنیم. به همین خاطر برایش اشد مجازات می‌خواهیم. سپس به‌روز ۴۷ ساله به اتهام قتل، اخفای جسد و جنایت بر میت در جایگاه ویژه ایستاد و اتهاماتش را قبول کرد. وی گفت: پدرم مرد بد اخلاقی بود. او رفیق باز بود و به من و خواهر و برادرهایم سخت می‌گرفت. او به‌شدت خسیس بود و حتی گاهی اوقات که بیمار می‌شدم پولی برای رفتن به بیمارستان به من نمی‌داد. من از این وضعیت خسته شده و بارها با پدرم درگیر شده بودم. وی ادامه داد: آن روز از پدرم پول می‌خواستم تا مواد بخرم اما او به من پول نداد. به همین خاطر با او درگیر شدم. دو برادرم سرکار بودند و خواهریم، مادرم را به بیمارستان برده بود که بار دیگر سراغ پدرم رفتم تا از او پول بگیرم اما پدرم یکباره با شمشیری که در خانه داشت به سمتم حمله کرد. من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم قهه‌ای را که داشتم برداشتم و یک ضربه به پدرم زدم. وقتی دیدم

پسر معتاد که پدرش را کشته و جسد وی را طی چهار شب در انباری خانه تکه‌تکه کرده بود تا در فرصتی مناسب آن را از خانه خارج کند، دیروز پای میز محاکمه ایستاد. خواهر و برادرهای وی از قصاص گذشتند و گفتند نمی‌توانند برادرشان را بالای چوبه دار ببینند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از عصر ۱۶ بهمن ۹۶ به‌دنبال تماس پسر جوانی با پلیس آغاز شد. وی از قتل فجیع پدر پیرش به دست برادرش به نام به‌روز خبر داد.

وی گفت: چند روز بود از پدر پیرمان هیچ خبری نداشتیم. آخرین بار پدرمان با برادرمان به‌روز در خانه تنها بود. اما به‌روز ادعا می‌کرد پدرمان خانه ا تارک کرده و دیگر باز نگشته است. ما چند جا را دنبال پدرمان گشتیم اما خبری از او به‌دست نیادریم. چون به‌روز معتاد بود، به او مشکوک شدیم. من از او خواستم حقیقت را بگوید و او را تهدید کردم تا این‌که به قتل اعتراف کرد و گفت پدرمان را کشته و جنازه‌اش را در انباری خانه قطعه قطعه کرده است. وقتی من و برادر دیگر به انباری رفتم با صحنه وحشتناکی روبه‌رو شدیم.

به‌دنبال اظهارات این مرد پلیس به خانه مورد نظر در شمال تهران رفت و در انباری خانه با جسد مثله شده پیرمرد ۷۰ ساله به نام پیروز روبه‌رو شد. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و به‌روز قتل را گردن گرفت. وی دیروز در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای این جلسه دو برادر و خواهر وی اعلام گذشت کردند. برادر بزرگ وی گفت: به‌روز سال‌ها بود اعتیاد داشت. او ۲۰ سال از عمرش را

مرگ مشکوک بعد از طلاق هفتمین زن



مرد میانسال که بعد از مرگ مشکوک برادرش در آتش سوزی خانه، ۱۲۰میلیون تومان پول از حسایش برداشت کرده و متواری شده بود بعد از فرار ده ماهه بازداشت شد. به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۸ صبح ۱۳ مهرسال گذشته آتش سوزی در آپارتمان طبقه دوم ساختمان هفت طبقه در محله میجیدیه تهران رخ داد و آتش‌نشانان بعد از خاموش کردن آتش، پیکر مرد ۶۳ ساله را از آنجا بیرون آوردند، اما هرچه تلاش کردند او زنده نماند و بر اثر

خفگی ناشی از دود فوت کرد. چون خانواده‌اش از فردی شکایت نداشتند، جسد در بهشت زهراي تهران دفن شد. اما نظریه اولیه کارشناسان آتش‌نشانی نشان داد، بر اثر پرتاب و افتادن ماده قابل اشتعال روی پتوی داخل اتاق، خانه آتش گرفته است. ماموران ابتدا به تحقیق از همسایه‌های این مرد پرداختند که معلوم شد، او مدتی است از زنش جدا شده و به خاطر سگته مغزی، بخشی از بدنش فلج شده و برادرش و خانواده وی از شهرستان به آنجا آمده و از او نگهداری می‌کردند. پلیس جنایی در تحقیقات بعدی به سرخ‌هایی دست یافت که نشان می‌داد، ۱۲۰ میلیون تومان از حساب بانکی مقتول سه روز بعد از مرگ وی برداشت و به حساب برادر ۵۳ ساله او واریز شده است. همین شواهد، فرضیه قتل مرد سالخورده را قوت بخشید و حکم جلب برادرش صادر شد. سرانجام بعد از ده ماه فرار تنها مظنون پرونده - فرید - روز دوشنبه به اداره دهم پلیس آگاهی تهران آمد و تسلیم شد. او

پشت‌صحنه یکی ماجرا

کابوس خودکشی

ماجرایي که در شهرستان نی‌ریز فارس به وقوع پیوست، در واقع حادثه‌ای بود که در پی يك اختلاف خانوادگی برجسته شد. مادر خانواده، فرزند را مجاب می‌کند تا او را همراهی کرده و به زندگی خود پایان دهند. در ادامه پدر خانواده نیز وقتی زندگی‌اش را از هم گسیخته می‌بیند، او هم آخرین تیر خلاص را به زندگی شلیک می‌کند و دست به خودکشی می‌زند. بیشترین خودکشی‌ها بین افراد ۱۵ تا ۳۵ سال رخ می‌دهد و در حادثه‌ای که در نی‌ریز رخ داد مادر و دختر هر دو در همین رده سنی قرار داشتند.

حمید احمدی، روان شناس بالینی می‌گوید: باید پرونده این مورد به صورت خاص بررسی شود؛ این‌که چرا مادر تصمیم به خودکشی می‌گیرد باید مشخص شود. آیا این اقدام به دلیل ناپهنجاری‌های اجتماعی بوده یا اختلال روانی و جسمی؟ اما آنچه می‌شود به‌آن پرداخت شاید افسردگی مادر در این ماجرا بوده باشد؛ متأسفانه تاکنون و در خودکشی‌ها، افسردگی ۵۰ درصد عامل خودکشی است، اما باید دید چه عواملی باعث افسردگی حاد این مادر شده و چگونه او توانسته دختر خود را مجاب کند تا وی را در این اقدام همراه سازد؟ باید برای جلوگیری در بروز این حوادث نقش خانواده‌ها پررنگ‌تر از قبل شود و کاری کنند تا اختلافات خانوادگی به حداقل ممکن برسد. اقدامی که به نظر می‌رسد در این مورد انجام نشده است. دومین مساله به عملکرد به‌موقع سازمان‌های ذی ربط از جمله بهزیستی و به‌ویژه اورژانس اجتماعی برمی‌گردد.

در این شرایط باید برای بقیه افراد به جا مانده از خانواده بلافاصله جلسات روانکاوی و روانپزشکی در جهت آرام سازی فضای حاکم انجام می‌شد تا این گونه پدر خانواده تصمیم به خودکشی نگیرد. در برخی از موارد حتی شاید لازم باشد از قوای قهریه هم بهره‌گرفت تا تنش‌های روزهای ابتدایی کمتر و کمتر شود. به هر روی حادثه خودکشی خانوادگی در نی‌ریز ابعاد پنهان بسیاری را در خود دارد که به مرور زمان عوامل و علل آن روشن خواهد شد اما همان‌گونه که به آن اشاره شد باید در اختلافات، خانواده‌ها نقش پررنگ‌تری را ایفا کنند تا کار به آخرین نقطه که همان پایان دادن به زندگی است، کشیده نشود.



پدرم نفس نمی‌کشد جسد او را از طبقه بالا به داخل زیرزمین بردم. من طی چهار شب او را تکه‌تکه کردم. شب‌ها وقتی خانواده‌ام می‌خوایدند به انباری می‌رفتم و با رازه بخش‌هایی از جسد را تکه تکه و آن را میان اسباب و اثاثیه داخل انباری جاساز می‌کردم تا در فرصتی مناسب از خانه بیرون ببرم اما برادر کوچکم که به ماجرا مشکوک شده بود تهدیدم کرد اگر حقیقت را نگویم پلیس را خبر می‌کند. من به او گفته بودم پدرم از خانه بیرون رفته و بازنگشته است اما او حرف مرا باور نکرد تا این‌که ناچار شدم حقیقت را بگویم. وی ادامه داد: من ۴۰ سال از زندگی‌ام را فقط عذاب کشیدم. ۲۰ سال از عمرم را به اتهام ۱۵ فقره سرقت و اعتیاد در زندان بودم. باقی عمرم را هم در کوچه و خیابان‌ها سپری کردم. سختگیری‌های پدرم باعث شد چیزی از زندگی نفهمم. وی به‌عنوان آخرین دفاع گفت: من حرفی برای گفتن ندارم ولی از قصات دادگاه می‌خواهم تا کمکم کنند. در پایان جلسه قصات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

ناکامی زن گانگستر در سرقت مسلحانه از طلافروشی

زن جوان که با اسلحه و شوکر قصد سرقت هزار سکه از يك طلافروشی در محدوده میدان تجریش را داشت، دستگیر شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، روز گذشته ماموران کلانتری دربند از طریق هشدار سامانه مها- مرکز هشدار الکترونیک- از وقوع مورد مشکوک در یکی از طلافروشی‌های واقع در پاساژ آرگ در میدان تجریش باخبر شده و برای رسیدگی به موضوع وارد عمل شدند. با حضور ماموران در محل، زنی جوان که قصد سرقت از این مغازه را داشت دستگیر و به کلانتری منتقل شد. شاکی نیز به کلانتری رفته و در اظهارات خود به ماموران گفت: در مغازه طلافروشی‌ام نشسته بودم که زنی حدود ۳۵ ساله وارد مغازه شد و ابتدا ا قیمت چند قطعه طلا را از من پرسید. چند دقیقه بعد این زن يك کلت کمری از کیفش درآورد و شروع به تهدید کرد و گفت اگر هزار سکه طلا به‌ار آزادی به او ندهم، مرا خواهد کشت. من هم بلافاصله سامانه مها را فعال کرده و مدتی این زن را معطل کردم تا پلیس برسد. پس از انتقال متهم به کلانتری او که چاره‌ای جز اعتراف نداشت به قصد خود برای سرقت از طلافروشی اعتراف کرد. همچنین در بازرسی از لوازم همراه وی یک عدد شوکر الکتریکی و یک اسلحه ساچمه زنی مشابه کلت کمری کشف و ضبط شد.

دستگیری شیطان جنوب پایتخت

معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت، از دستگیری مرد جوان شیطان صفتی خبر داد که پس از سوار کردن بانوان جوان، آنان را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، سرهنگ کارآگاه علی گودرزی در توضیح این خبر گفت: اواخر آذر سال گذشته پرونده‌های مشابهی مبنی بر آزار و اذیت تعدادی از زنان جوان توسط راننده يك دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ از دادسرای امور جنایی ناحیه ۲۷ تهران برای رسیدگی تخصصی به اداره ۱۶ پلیس آگاهی ارجاع شد. در اظهارهای مشا‌بهی به کارآگاهان گفتند: بین ساعت ۱۹ تا ۲۲، برای رفتن به خانه از محدوده‌های متروی نواب یا راه‌آهن به مقصد نازی‌آباد سوار يك دستگاه خودروی پژو شدم که راننده آن مرد جوانی حدود ۲۰ ساله بود که پس از طی مسافتی، به سمت اتوبان قم تغییر مسیر داد. به‌خاطر دودی بودن شیشه‌های ماشین کسی متوجه کمک خواهی ما نشد و راننده در محلی خلوت نقشه شیطانی‌اش را اجرا کرد. او بعد از آزار و اذیت، ما را در کنار اتوبان رها کرد و از محل دور شد. وی ادامه داد: کارآگاهان، در تحقیقات پلیسی و پایش پلاک‌های اعلامی موفق به شناسایی فردی سابقه دار و يك دستگاه پژو پارس نقره‌ای رنگ شدند. با هماهنگی‌های قضایی، متهم یکم مرداد در محدوده افسریه در حالی که سوار بر خودرویش بود، دستگیر و به اداره شانزدهم منتقل شد. متهم پس از مواجهه حضوری که چاره‌ای جز اعتراف نداشت به جرم‌های ارتکابی‌اش اعتراف کرد.